



مرکز تحقیقات رایانگی

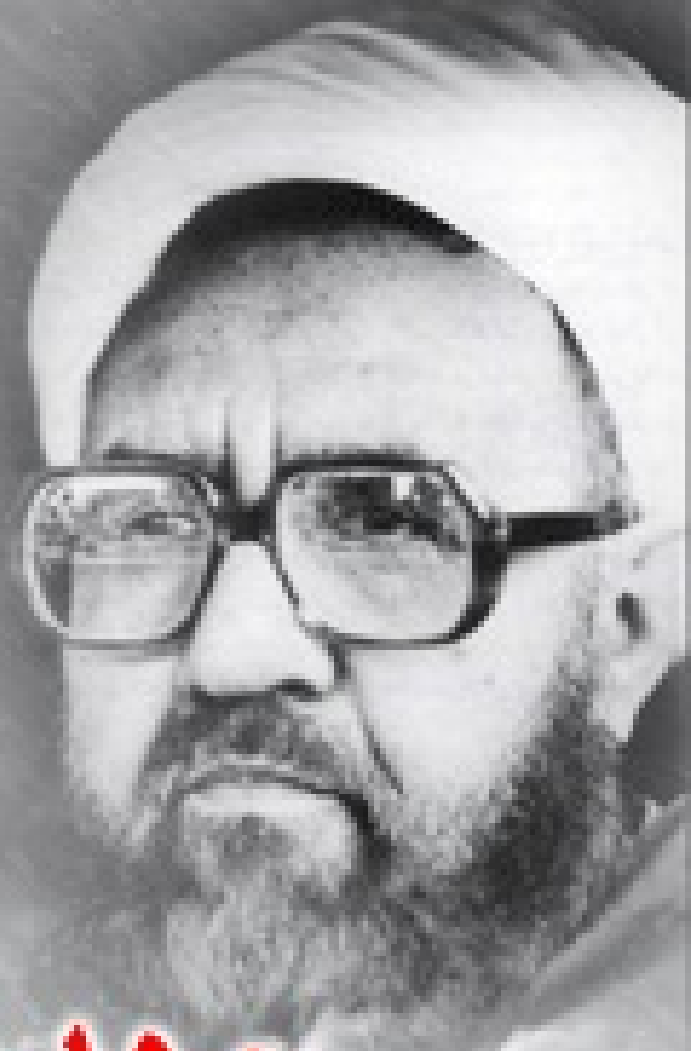
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مهدویت
از دیدگاه استاد شهید
مرتضی مطهری (ره)

محترم سکریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدویت از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری (ره)

نویسنده:

محترم شکریان

ناشر چاپی:

شمیم گل نرگس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مهدویت از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری (ره)
۶	مشخصات کتاب
۶	مهدویت عقیده ای مشترک
۶	اعتقاد به مهدویت در دین های غیر اسلامی
۷	باورداشت مهدویت در فرقه ها و مذهب های اسلامی
۹	تواتر حدیث های مهدی
۱۰	مهدویت، منشأ حوادث
۱۰	طول عمر
۱۱	مهدویت در قرآن و حدیث های نبوی
۱۱	مهدویت در قرآن
۱۱	مهدویت در حدیث های نبوی
۱۲	انتظار و ویژگی های انتظار بزرگ
۱۲	مفهوم درست انتظار
۱۳	ویژگی های انتظار بزرگ
۱۶	ویژگی های یاران حضرت مهدی
۱۷	پاورقی
۲۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مهدویت از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری (ره)

مشخصات کتاب

نویسنده: محترم شکریان

ناشر: شمیم گل نرگس

مهدویت عقیده‌ای مشترک

اعتقاد به مهدویت در دین‌های غیر اسلامی

مسأله‌ی «موعود» از قرن‌ها پیش از ظهور اسلام، مطرح بوده است. در کتاب‌های پیامبران، نوشته‌ها و آثار گوناگون بر جای مانده از حکیمان و فرزندان پیشین، به این امر - یعنی ظهور منجی بزرگ جهانی در آخرالزمان - تصریح یا اشاره شده است. عقیده به «مهدی» (مصلح بزرگ جهانی) در آیین زرتشت، بودا، یهود، مسیحیت و... به عنوان یک اصل مسلم و قطعی مطرح بوده است. پیامبران و رهبران مذهبی گذشته به پیروانشان آمدن مصلح کل و تشکیل دهنده‌ی حکومت واحد جهانی را بشارت و به مظلومان، ستم دیدگان، مستضعفان و بی‌چارگان، سپری شدن فصل چپاول و غارت و هزیمت ستم پیشگان بی‌رحم و فرارسیدن فصل شکوفایی عدالت و پیاده شدن قانون مقدس الهی در سراسر گیتی را نوید داده‌اند. استاد مطهری (رحمه الله) «مهدویت» را به عنوان فلسفه‌ی بزرگ جهانی معرفی کرده است و علت آن را، جهانی بودن دین اسلام و تشیع می‌داند. [۱] جهانی شدن دین اسلام یکی از ویژگی‌های همان انتظار بزرگی است که استاد آن را ذکر می‌کند. استاد شهید با استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ* [۲] می‌فرماید: «در این آیه، صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد». [۳]. اندیشه‌ی پیروزی نهایی حق بر باطل و استقرار کامل و همه‌جانبه‌ی ارزش‌های انسانی و تشکیل مدینه‌ی فاضله و جامعه‌ی ایده‌آل توسط شخصیتی مقدس و عالی قدر، اندیشه‌ای است که از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران از جمله استاد مطهری، مورد اتفاق همه‌ی فرقه‌ها و مذاهب‌ها است. [۴]. در کتاب «اوستا» و «زند» زرتشتیان، «شاکمونی» و «دیر» هندیان، «ددا تک» و «پاتیکل» برهمنیان، کتاب‌های مقدس بوداییان، «مزامیر زبور» منسوب به حضرت داود (علیه السلام)، فصل‌های «تورات» منسوب به حضرت موسی (علیه السلام)، شعرهای انجیل منسوب به حضرت عیسی (علیه السلام) و... سخن از ظهور منجی بشر و مصلح کل و برهم زنده‌ی بساط ظلم و ستم و تشکیل دهنده‌ی حکومت واحد جهانی مبتنی بر پایه‌های عدالت داده شده است. در هر یک از آیین‌ها، ادیان، مکتب‌ها، ملت‌ها و قوم‌ها با تعبیرهای مناسب با فرهنگ خود از مهدی نام برده شده است. «در آئین زرتشت از او به نام «سوشیانت» یا «سوشیانس» نجات دهنده بزرگ جهان، در میان یهودیان به نام «ماشیح» مهدی بزرگ، در آئین هندی به نام «آواتارا» در آئین بودائی به نام «بودای پنجم» و در میان برهمنیان به نام «وشیئو» و در کتاب «شاکمونی» از کتب مقدس هندیان به نام «فرزند سید خلاق دو جهان» و در کتاب مقدس «ددا تک» برهمنیان به نام آخرین وصی ممتاط «محمّد» و در کتاب پاتیکل به نام «راهنما» و هادی و مهدی تعبیر نموده‌اند. اهالی صربستان در انتظار «مارکو کراسیویچ» ساکنان جزایر انگلستان در انتظار «ارتور» و ایرانیان باستان در انتظار «گراسپر»، یونانیان در انتظار «کالویرگ»، اقوام اسکانندیناوی در انتظار «اودین»، اقوام اروپای مرکزی در انتظار «بوخص» و اقوام آمریکای لاتین در انتظار «کوتر لکوتل» و چینها در انتظار «کرشنا» بسر برده‌اند. [۵]. بنابراین هم‌چنان که استاد مطهری (رحمه الله) می‌فرماید مسأله‌ی باورداشت حضرت مهدی (علیه السلام) و مصلح واقعی و تشکیل دهنده‌ی حکومت واحد جهانی، یک اصل قطعی و مسلم و پذیرفته شده میان پیروان

دین‌ها و مذهب‌ها بوده است. لکن اختلاف در تطبیق «مهدویت» بر این یا آن فرد بوده است. نویسنده ی کتاب «خورشید مغرب» چند کتاب از نسخه‌های عهدین که در آن سخنانی درباره ی موعود آمده است را چنین ذکر می‌کند: «کتاب دانیال پیامبر، کتابی حجّی یا حکّای پیامبر، کتاب صَیْفَنیای پیامبر، کتاب اشعیای پیامبر، همچنین در آثار دین مسیحیت نیز این بشارتها آمده است از جمله: انجیل متّی، انجیل لوقا، انجیل مرقّس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا». [۶]. شاید به دلیل همین حضور در فرهنگ‌های گوناگون و باورها و کتاب‌های امت‌ها و ملت‌هاست که در یکی از زیارت‌های حضرت حجت (علیه السلام) چنین آمده است: «السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم». آیه‌هایی از قرآن کریم نیز دلالت بر جهانی بودن مهدویت دارد. از جمله در تفسیر آیه ی شریفه ی قَالَ لَوْ اَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ اَوْ اٰوٰی اِلٰی رُكْنٍ شَدِيْدٍ [۷/۷] لوط گفت ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیارم بود. عیاشی به سند خود از صالح به سعید از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت درباره ی این آیه ی کریمه فرمود: [یعنی] نیروی حضرت قائم و «رُكْنٍ شَدِيْدٍ»، همان سیصد و سیزده تن یاران اویند. هم چنین آیه ی شریفه ی وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُوْر مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اَنَّ الْاَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصّٰلِحُوْنَ [۸/۸] برآستی که ما پس از نوشتن در ذکر، در زبور نیز نگاشتیم که همانا بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد، علی بن ابراهیم در تفسیرش - منسوب به امام (علیه السلام) - فرمود: «تمام کتاب‌های آسمانی، ذکر خداست و مراد از اَنَّ الْاَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصّٰلِحُوْنَ حضرت قائم (عج) و اصحاب اویند».

باورداشت مهدویت در فرقه‌ها و مذهب‌های اسلامی

استاد مطهری (رحمه الله) ضمن یادآوری «متواتر بودن» مهدویت در حدیث‌ها، به دو عامل مهم برای هم عقیده بودن فرقه‌ها و مذهب‌های اسلامی در این باره اشاره می‌کند: «۱- این اندیشه بر حسب اصل و ریشه قرآنی [۹] ۲- این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکامل تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است». [۱۰]. استاد شهید (رحمه الله) هم عقیده بودن فرقه‌ها و مذهب‌های اسلامی در این که مصلح آخرالزمان، حضرت حجة بن الحسن العسکری (علیه السلام) است و نیز تواتر روایت‌هایی که در این زمینه نقل شده است را بیان می‌فرماید: «الف) هم عقیده بودن فرق و مذاهب اسلامیان مسأله هم در حوزه کلامی شیعه و هم در حوزه مذاهب غیر شیعی قابل توجه است. از آن جا که تعداد کتب و تألیفات علمای شیعه که صفات و خصوصیات حضرت مهدی (عج) را ذکر نموده اند، بسیار زیاد است و ذکر نام همه آنها باعث پر حجم شدن این نوشتار می‌شود تنها به ذکر تعداد احادیث، بسنده می‌شود. ۱- بر اساس ۳۸۹ حدیث، حضرت مهدی (عج) از خاندان و ذریه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است. ۲- بر اساس ۴۸ حدیث، هم نام و هم کنیه پیامبر (صلی الله علیه وآله) و شبیه ترین مردم به آن حضرت است. ۳- ۲۱ حدیث در زمینه شمایل و چهره مبارک حضرت مهدی (عج) وارد شده است. ۴- بر اساس ۲۱۴ حدیث، آن حضرت از فرزندان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. ۵- بر اساس ۱۹۲ حدیث از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است. ۶- بر اساس ۱۰۷ حدیث از فرزندان حسن و حسین (علیهما السلام) است. ۷- بر اساس ۱۸۵ حدیث از فرزندان امام حسین (علیه السلام) است. ۸- بر اساس ۱۴۸ حدیث نهمین فرزند از فرزندان امام حسین (علیه السلام) است. ۹- بر اساس ۱۸۵ حدیث از فرزندان زین العابدین (علیه السلام) است. ۱۰- بر اساس ۱۰۳ حدیث، هفتمین فرزند از فرزندان حضرت باقر (علیه السلام) است. ۱۱- بر اساس ۹۹ حدیث، ششمین فرزند از فرزندان امام جعفر صادق (علیه السلام) است. ۱۲- بر اساس ۹۸ حدیث پنجمین فرزند از فرزندان موسی بن جعفر (علیه السلام) است. ۱۳- بر اساس ۹۵ حدیث چهارمین فرزند از فرزندان حضرت رضا (علیه السلام) است. ۱۴- بر اساس ۶۰ حدیث سومین فرزند از فرزندان امام محمد تقی (علیه السلام) است. ۱۵- بر اساس ۱۴۶ حدیث، جانشین جانشین امام علی نقی و پسر امام حسن عسکری (علیه السلام) است. ۱۶- بر اساس ۱۴۷ حدیث اسم پدرش حسن است. ۱۷- بر اساس ۹ حدیث، مادرش سرور کنیزان و بهترین ایشان است. ۱۸- بر اساس ۱۳۶

حدیث دوازدهمین امام و خاتم امامان است. ۱۹- بر اساس ۱۰ حدیث دارای دو غیبت است، غیبت صغری و غیبت کبری. ۲۰- بر اساس ۹۱ حدیث غیبتش چنان طولانی خواهد بود که مردم ضعیف‌الایمان و کم‌معرفت، دچار شک و تردید میشوند. ۲۱- بر اساس ۳۱۸ حدیث بسیار طویل‌العمر است. ۲۲- بر اساس ۱۲۳ حدیث زمین را پر از عدل و داد می‌کند، بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد...» [۱۱]. «اعتقاد به مهدویت منحصر به شیعه نیست» [۱۲]. باورداشت حضرت مهدی (علیه السلام) را در سرتاسر آفاق زمانی و مکانی اسلام و بسیار فراتر از حوزه ی باورها و فرهنگ تشیع باید جستجو کرد: در میان کتاب‌ها و تألیف‌ها، مسجدها و مدرسه‌ها، در میان مشایخ و استادان حدیث، مفسران و محدثان، مورخان و نویسندگان، رجال نویسان و تراجم‌نگاران، ادیبان و لغویان و فیلسوفان و شاعران. بسیاری از عالمان اهل سنت همانند: ترمذی صاحب «السنن» (م ۲۹۷)، ابوجعفر عقیلی صاحب «الضعفاء الکبیر» (م ۳۲۲)، بیهقی (م ۶۷۱)، قرطبی (م ۶۷۱)، ابن کثیر (م ۷۷۴)، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)، سیوطی (م ۹۱۱) و... نیز به صحت یا به متواتر بودن احادیث مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) تصریح نموده‌اند. فاضل معاصر سید ثامر عمیدی در کتاب گران سنگ خویش «دفاع عن الکافی» نام بیش از پنجاه نفر از عالمان مشهور اهل سنت را ذکر نموده است که تصریح به صحت و یا تواتر روایت‌های مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) کرده است. [۱۳]. متقی هندی (م ۹۷۵) می‌نویسد: «علمای مذاهب چهارگانه شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی، در صحت احادیث مهدی (علیه السلام) اتفاق نظر دارند و معتقدند که واجب است تمام مسلمانان بر این موضوع ایمان بیاورند». [۱۴]. ابن خلدون می‌نویسد: بین همه ی اهل اسلام در طول تاریخ مشهور است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت (علیهم السلام) به نام مهدی قیام خواهد نمود و دین اسلام را یاری و عدالت را گسترش خواهد داد و تمام مسلمین از او متابعت نموده و بر تمام ممالک اسلامی چیره خواهند شد. [۱۵]. زبیدی می‌نویسد: مهدی، نام کسی است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بشارت آمدن او را داده است، جعلنا الله من انصاره. [۱۶]. حافظ شیخ منصور علی ناصف می‌نویسد: در میان تمام طبقات عالمان و دانشمندان مشهور است که در آینده مردی به نام مهدی ظهور خواهد کرد و کلیه ی کشورهای اسلامی را تحت چیره ی خود در خواهد آورد و موجب گسترش عدالت در میان مردم خواهد شد. وی سپس اضافه می‌کند: حدیث‌های مهدی را گروهی از نیکان صحابه نقل کرده و بزرگان محدثین مانند: ابن داود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، احمد بن حنبل و حاکم نیشابوری در کتاب‌ها و نوشته‌های خود آورده‌اند. تواتر خبرهای مهدی بر همگان روشن است و هر کس که کوچک‌ترین آگاهی و ذره ای ایمان و اندکی انصاف داشته باشد نمی‌تواند این قضیه را انکار نماید. [۱۷]. مسأله ی حضرت مهدی (علیه السلام) در قلمرو فرهنگ مذهبی اهل سنت نیز به نحو مبسوط بحث شده و در این زمینه، مستقلاً یا ضمناً کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی به رشته ی تحریر در آمده است. در معتبرترین کتاب‌های اهل سنت مانند «الرساله» از محمد بن ادریس شافعی، رییس مذهب شافعیه (م ۲۰۴)، «مسند احمد بن حنبل» رییس مذهب حنابله (م ۲۴۱)، «صحیح بخاری» از محمد بن اسماعیل بخاری، (م ۲۵۹)، «صحیح مسلم» از مسلم بن حجاج (م ۲۶۱)، «سنن ابن ماجه» از محمد بن یزید بن ماجه ی قزوینی (م ۲۷۵)، «سنن ابی داود» از ابو داود سلیمان بن اشعث، «صحیح ترمذی» از محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹) و... ویژگی‌های حضرت مهدی (علیه السلام) و نشانه‌های ظهور آن حضرت، حکومت جهانی و چیرگی ایشان بر عالم، مطرح گردیده است. [۱۸]. عالمان اهل سنت به این مقدار که در کتاب‌های گوناگون خود، حدیث‌های مربوط به مهدی (علیه السلام) را بیاورند و سندهای آن حدیث‌ها را ضبط کنند و مسایل و سخنانی در این باره بنگارند بسنده نکرده‌اند. بلکه - همانند عالمان شیعه - کتاب‌هایی چند، ویژه ی حضرت مهدی (عج) و احوال او، تألیف کرده‌اند. وسعت دامنه ی این نوشته‌ها، قطعیت امر مهدی (علیه السلام) را در اسلام به خوبی می‌رساند و اثبات می‌کند که مهدی (علیه السلام) همان امامی است که با نشانه‌هایی در خود و علایمی پیش از ظهور و مقارن ظهور و پس از ظهورش مشخص و معین شده است. در کتاب «امام مهدی از ولادت تا ظهور»، پنجاه و چهار منبع، مأخذ، مدرک و سند تاریخی ذکر شده است که دانشمندان و محدثان اهل سنت پیرامون شخصیت والای حضرت مهدی (علیه السلام) نگاشته‌اند. [۱۹]. نویسنده

ی کتاب «خورشید مغرب» بیست کتاب از اهل سنت را در این باره شمرده است. [۲۰] که به عنوان نمونه نام چند کتاب را ذکر می شود: «اخبار المهدی» نوشته ی حماد بن یعقوب، «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان» نوشته ی علی بن حسام الدین متقی هندی، «البيان فی اخبار صاحب الزمان» نوشته ی ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی، «مناقب المهدی» نوشته ی حافظ ابونعیم اصفهانی، «فوائد الفکر فی المهدی المنتظر» نوشته ی یوسف کرمی اصفهانی. آن چه در پی می آید نمونه ای است از ده ها و صدها سخن که عالمان یاد شده، در طول سده ها و عصرها در کتاب های خویش آورده اند. ۱- ابن حجر هیثمی شافعی: «ابوالقاسم، محمد، الحجّه، عمر او پس از درگذشت پدرش، پنج سال بود. خدا در همین سنین به او حکمت ربّانی را عطا کرد. او را قائم منتظر گویند. خبرهای متواتره رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی (علیه السلام) از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند». [۲۱]. ۲- عمادالدین ابن کثیر دمشقی: «مقصود از پرچم های سیاه که در روایت های مهدی ذکر شده پرچم های سیاهی نیست که ابومسلم خراسانی برافراشت و دولت بنی امیه را ساقط کرد بلکه مقصود، پرچم های سیاهی است که یاران مهدی خواهند افراشت». [۲۲]. ۳- ابن ابی الحدید مدائنی: «میان همه ی فرقه های مسلمین اتفاق قطعی است که عمر دنیا و احکام تکالیف پایان نمی پذیرد مگر پس از ظهور مهدی (علیه السلام)». [۲۳]. ۴- شیخ محمد عبده: «خاص و عام می دانند که در خبرها و حدیث ها، ضمن برشمردن نشانه های قیام قیامت چنین آمده است: مردی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) خروج می کند که نام او مهدی (علیه السلام) است. او زمین را پس از آن که از جور و بی داد آکنده باشد از عدل و داد پر میسازد. در آخر ایام او، عیسی بن مریم (علیه السلام) از آسمان فرود می آید. جزیه را برمی دارد. صلیب را میشکند و دجال را میکشد». [۲۴]. ۵- احمد امین مصری: «اهل سنت نیز به مهدی و مهدویت یقیناً ایمان دارند». [۲۵].

تواتر حدیث های مهدی

نکته ی مهم دیگری که استاد مطهری (رحمه الله) بدان اشاره می کند تواتر خبرهایی است که درباره ی حضرت مهدی (علیه السلام) وارد شده است. [۲۶] حدیث های نبوی درباره ی مهدی (علیه السلام) در کتاب ها و دست نوشته های عالمان مذهب های اسلامی به حدی است که در کمتر موضوعی تا آن اندازه حدیث نگاشته شده است. فزونی خبرهای یاد شده و فراوانی و گوناگونی راویان آن، در مآخذ و طُرُق روایی اهل سنت، به خوبی مشاهده می شود و همین واقعیت باعث شده تا دانشمندان علم حدیث و حافظان بزرگ سنّی، در جای جای اثرهای خود به متواتر بودن حدیث های باب مهدی (عج) تصریح کنند: ۱- حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی (م ۶۵۸) در کتاب البیان می گوید: «احادیث پیامبر درباره ی مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد به حدّ تواتر رسیده است». [۲۷]. ۲- حافظ معروف حدیث، ابن حجر عسقلانی شافعی (م ۸۵۲) که او را حافظ عصر خوانده اند در کتاب «فتح الباری» که در شرح صحیح بخاری نوشته است میگوید: «حدیث های متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی (علیه السلام) از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند». [۲۸]. ۳- قاضی محمد شوکانی یمنی، در رساله ی «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح» می گوید: «همه ی این حدیث های که آوردیم به حدّ تواتر می رسد چنان که بر مطلعان پوشیده نیست». [۲۹]. بنابراین با توجه به همه ی حدیث های مذکور، مسلم گشت که حدیث های رسیده درباره ی مهدی منتظر (علیه السلام) متواتر است. این موضوع، که مهدویت مسأله ای اسلامی و قطعی است، به اندازه ای روشن و مشهور است که حتّی لغت نویسان و واژه شناسان اهل سنت نیز ذیل کلمه ی «مهدی» آن را مطرح کرده اند. از جمله جمال الدین ابن منظور افریقی مصری (م ۷۱۱) در لغت نامه ی بزرگ و معتبر خویش «لسان العرب» چنین مینویسد: «مهدی یعنی کسی که خدا راه حق را به او نشان داده است. این کلمه از نظر دستوری وصف است، اما به صورت اسم نیز بکار رفته است. اشخاص را به آن نام گذاری کرده اند، اما تا جایی که اکنون علم بالغلبه شده است. مهدی نام آن کسی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مژده داده است که

در آخر الزمان می‌آید». [۳۰]. هم چنین محدث و ادیب واژه شناس معروف مجدالدین ابن اثیر شافعی (م ۶۰۶) در کتاب «النهایه» و مرتضی الزبیدی حنفی (م ۱۲۰۵) در لغت نامه ی «تاج العروس» این موضوع را یاد کرده اند. زبیدی در آخر توضیح هایش، این دعا را نیز افزوده است: «جَعَلْنَا اللَّهَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛ خدا ما را از جمله ی یاران او قرار دهد».

مهدویت، منشأ حوادث

مسأله ی مهمی که استاد شهید مرتضی مطهری (رحمه الله) مطرح می کنند و آن را دلیل بر منحصر نبودن مهدویت به شیعه می داند این است که «اخبار مربوط به مهدی موعود منشأ حوادثی در تاریخ اسلام شده است». [۳۱]. «اگر می خواهید بفهمید که این مسأله منحصر به شیعه نیست ببینید که آیا مدعیان مهدویت فقط در میان شیعه زیاد بوده اند و در میان اهل تسنن نبوده اند؟» [۳۲]. آن گاه شهید مطهری (رحمه الله) بعضی از این روی دادها را بیان می کند: [۳۳]. ۱. قیام مختار و اعتقاد به مهدویت: مختار برای انتقام گرفتن از قاتلان امام حسین (علیه السلام)، نیازمند این بود که مردم با رهبری او حاضر به این کار شوند. پس موعودی را که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) خبر داده بود به نام محمد بن حنفیه پسر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و برادر سیدالشهدا (علیه السلام) مطرح کرد. زیرا در روایت های نبوی آمده است که: «نام او نام من است». مختار به مردم گفت: ایها الناس! من نایب مهدی زمانم. مختار مدتی تحت عنوان نیابت از مهدی زمان، فعالیت سیاسی خودش را انجام داد که همین امر بعدها منجر به پیدایش مذهب کیسانیه گردید. ۲. سخن زهری: ابوالفرج اصفهانی که اموی الاصل و مورخ است در مقاتل الطالبیین می نویسد: وقتی خبر شهادت زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) به زهری رسید گفت: «چرا این قدر اهل بیت (علیهم السلام) عجله می کنند؟ روزی فرا خواهد رسید که مهدی آن ها ظهور کند». معلوم می شود که ظهور و قیام مهدی از اولاد پیامبر آن چنان قطعی و مسلم بوده است که زهری چنین می گوید. ۳. قیام «نفس زکیه» و اعتقاد به مهدویت: قیام «نفس زکیه» از روی دادهای مشهوری است که در اواخر عهد اموی رخ داد. او هم نام پیغمبر بود و خالی هم در شانه داشت. مردم می گفتند نکند این خال هم نشانه آن باشد که او مهدی است. و بسیاری از کسانی که با وی بیعت کردند به عنوان مهدی بیعت کردند. مسأله ی مهدی (علیه السلام) آن قدر در میان مسلمین یقینی بوده که عده ای با مشاهده ی هر کس که قیام می کرد و صالح بود می گفتند: این همان مهدی (علیه السلام) است که پیغمبر (صلی الله علیه وآله) وعده داده است. ۴. نیرنگ منصور، خلیفه ی عباسی: منصور عباسی اسم پسرش را مهدی گذاشت تا بتواند گروهی را فریب دهد و بگوید آن مهدی که شما در انتظار او هستید پسر من است! صاحب «مقاتل الطالبیین» و دیگران نوشته اند: گاهی که منصور با خصیصین خویش روبرو می شد به دروغ بودن این نسبت اعتراف می کرد. فراوانی این گونه موارد در تاریخ اسلام، نشان گر آمادگی و باور مسلمین درباره ی مسأله ی مهدویت است.

طول عمر

موضوع دیگری که باید درباره ی حضرت مهدی (علیه السلام) مورد پژوهش قرار گیرد «طول عمر» آن حضرت است. هر چند این مسأله خللی به اصل اعتقاد جهانی به مهدویت، وارد نمی کند. زیرا اعتقاد به مهدی (عج) «بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکامل تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است». [۳۴] استاد مطهری (رحمه الله) می فرماید: «تمام تحولات بزرگی که در تاریخ حیات و زندگی عموم موجودات زنده... از گیاه و حیوان، پیش آمده، همه، تحولات غیر عادی است. مثلاً- آیا اولین نطفه حیات که روی زمین بسته شده مطابق اصول علوم زیستی است؟ اولین بار که حیات در روی زمین پیدا شده با کدام قانون طبیعی جور در می آید؟ علم هنوز جواب این ها را پیدا نکرده است. مگر خود وحی که یک بشری برسد به حدی که دستور از ماوراء طبیعت بگیرد، کمتر است از مسأله زنده بودن یک نفر هزار و سیصد

سال؟ دنیای دین برای همین است که چشم انسان را باز کند و فکر انسان را از محدودیت جریان های عادی خارج کند». [۳۵] زیست شناسان می گویند عمر بشر اندازه و حد ثابتی ندارد، در طبیعت همه گونه عمر بوده و ممکن است باشد. وایزمن، دانشمند آلمانی می گوید: «مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست و در عالم طبیعت، از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه ای، همه نوعش هست آنچه طبیعی و فطری است عمر جاودانی و ابدی است. بنابراین داستان عمر ۹۶۹ ساله «مُتَوَشِّیْلِح» نه مردود عقل است و نه مردود علم. در همین دوره ما میزان طول عمر بالا رفته است و دلیلی ندارد که از این بالاتر نرود و یک روز نیاید که بشر به عمر نهصد ساله برسد». [۳۶]. پس طبق نظر متخصصان، طول عمر انسان به هر اندازه هم باشد برخلاف اصول علمی نیست، بلکه علم آن را تأیید می کند. تأیید طول عمر، از دیدگاه یافته های علمی جدید تا جایی است که در دوره ی اخیر، در صدد بر آمده اند تا حد و مرز را از زندگی انسان بردارند و با پیدا کردن راه سالم نگه داشتن سلول های بدن، سال های زیادی بر آن بیفزایند.

مهدویت در قرآن و حدیث های نبوی

مهدویت در قرآن

استاد مطهری (رحمه الله)، درباره ی سابقه ی «اعتقاد به مهدویت»، موضوع مهدویت در قرآن و حدیث های نبوی را مطرح می کند. منجی موعود در قرآن کریم به صورت یک نوید کلی و قطعی و در کمال صراحت مطرح شده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». [۳۷]. ایشان می فرماید: «اولاً فکر بزرگ و وسیع است که سخن از تمام زمین است: زمین برای همیشه در اختیار زورمندان و ستمکاران و جباران نمی ماند، این یک امر موقت است. دولت صالحان که بر تمام زمین حکومت کند در آینده وجود خواهد داشت. ثانیاً: در قرآن، جهانی شدن دین اسلام و از بین رفتن تمام ادیان دیگر ذکر شده است». [۳۸] او در این باره به این آیه از قرآن کریم استناد می کند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً [۳۹] اوست آن که پیامبر خود را فرستاد به هدایت و آیین حق، تا چیره گرداندش بر آیین ها همگی، و بس است خدا را گواهی. قرآن درباره ی آینده ی دوران و روی دادهای آخرالزمان و استیلا ی خوبی و خوبان جهان و حکومت صالحان - گاه با اشاره و گاه با تصریح - سخن گفته است. مفسران اسلامی این گونه آیه ها را طبق مدرک های حدیثی و تفسیری، مربوط به مهدی (علیه السلام) و ظهور ایشان در آخرالزمان دانسته اند. آیه های دیگری نیز در قرآن هست که به جنبه ی حضور ولایتی مهدی (علیه السلام) اشعار، بلکه تصریح دارد: ۱- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». [۴۰] امام باقر (علیه السلام) فرمود: «این بندگان شایسته که وارثان زمین می شوند اصحاب حضرت مهدی (علیه السلام) در آخرالزمان هستند». [۴۱] ۲. «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ [۴۲] بازمانده ی خدا بهتر است برای شما اگر مؤمنان هستید. شیخ ابو منصور طبرسی در «الاحتجاج» از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: «بَقِيَّةُ اللَّهِ، یعنی مهدی (علیه السلام) که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گاه که از ظلم و جور پر شده باشد». [۴۳] ۳. «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ [۴۴] و آن است دین استوار و آیین محکم و درست. شرف الدین نجفی از ابن اسباط از ابو حمزه از ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت درباره ی این آیه فرمود: «همانا این، دین حضرت قائم (عج) است». [۴۵].

مهدویت در حدیث های نبوی

موضوع دیگری که استاد مطهری (رحمه الله) بدان پرداخته است «مهدویت در احادیث نبوی» است و آن را دلیل بر این می داند که روایت های مربوط به مهدی موعود (عج)، منحصر به روایت های شیعه نیست: «اگر روایات مربوط به مهدی موعود (عج) انحصاراً

روایات شیعه می بود برای شکاکان جای اعتراض بود که: اگر مسأله مهدی (علیه السلام) یک مسأله واقعی است باید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفته باشد و اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفته باشد باید سایر فرق اسلامی هم روایت کرده باشند. اما روایات باب مهدی موعود را تنها شیعیان روایت نکرده اند. روایاتی که اهل تسنن در این زمینه دارند از روایات شیعه اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. مثلاً در کتاب «المهدی» از آیت الله صدر (رحمه الله)، ایشان هر چه روایت نقل کرده اند، همه روایات اهل تسنن است و یا کتاب «منتخب الاثر» که توسط آیت الله لطف الله صافی به راهنمایی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) تألیف شده و در آن روایات زیادی در این زمینه بالأخص از اهل تسنن به مضامین و تعبیرات مختلف، ذکر شده است». [۴۶].

انتظار و ویژگی های انتظار بزرگ

مفهوم درست انتظار

در فرهنگ مذهبی، انتظار، عبارت است از این که انسان پیوسته چشم به راه روزی باشد که هدف و مقصد نهایی برآورده شود و روزی فرا رسد که انسانیت از یک زندگانی عادلانه و کامل، تحت رهبری و زعامت حضرت مهدی (علیه السلام) برخوردار باشد. البته - همان گونه که پیش تر گفته شد - مفهوم انتظار، اعم و کلی تر از مفهوم اسلامی آن است. از این روست که پیروان دیگر دین های آسمانی نیز با صرف نظر از نام و عنوان، به پیشوایی جهانی، که برپا کننده ی عدل و داد است معتقدند و در انتظار ظهور اویند. این عقیده به خودی خود، بهترین انگیزه برای تربیت و تهذیب نفوس تمامی پیروان و معتقدان آن ادیان است و باعث رشد و کمال اخلاقی آنان و تکمیل درجه ی ایمان و نیروی اراده ی پیروان آن می باشد تا مقدمات ظهور را در خود و هم کیشان خود فراهم آورند. اصل «انتظار فرج» از دیدگاه استاد مطهری از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی استنتاج می شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است. [۴۷]. انتظار فرج و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری سازنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش که می تواند نوعی عبادت شمرده شود و انتظاری که اباحه گر، ویران گر و فلج کننده است. [۴۸]. تفاوت این دو نوع انتظار، ناشی از تفاوت دو نوع بینش درباره ی تحولات، و ظهور مهدی موعود (عج) است. [۴۹]. انتظار سازنده مبتنی بر بینش انسانی و فطری است. بینش انسانی یا فطری، معتقد است که هر چند انسان در آغاز پیدایش، شخصیت انسانی بالفعل ندارد ولی بذریک سلسله بینش ها در نهاد او نهفته است و به عوامل بیرونی نیاز دارد تا به کمک آن، مقصد و راه و ثمره ی بالقوه اش را به فعلیت برساند. این بینش، انسان را دارای غرایز حیوانی و نیز تمایلات عالی می داند و اصل نبرد و تنازع در اجتماع، و نقش آن در رویش و تکامل تاریخ را می پذیرد، ولی نه منحصرأً به صورت نبرد طبقاتی میان گروه وابسته به ابزار تولید و نظام اجتماعی کهن بلکه مدعی است که نبرد میان انسان رسیده به عقیده و ایمان با انسان های گمراه، همواره وجود داشته است. به تعبیر قرآن، نبرد میان «جند الله» و «حزب الله» با جنود شیطان است. استاد می فرماید: «از دید این تفکر، اصلاحات جزئی و تدریجی به هیچ وجه محکوم نیست و عامل اصلی حرکت تاریخ، فطرت تکامل جوی انسان است و اصلاحات جزئی و تدریجی به نوبه خود، کمک به مبارزه انسان حق طلب در نبرد با انسان منحط است. و برعکس فسادها و تباهی ها، کمک به نیروی مقابل است و آهنگ حرکت تاریخ را به زیان اهل حق، کند می کند. لذا انتظار یعنی تلاش و تکاپو». [۵۰]. استاد مطهری (رحمه الله)، تعبیر و تفسیر قرآن از تاریخ را به همین شکل می داند. [۵۱]. از آیه های قرآن استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، حلقه ای از حلقه های مبارزه ی اهل حق با اهل باطل است و به پیروزی نهایی حق منتهی می شود و سهمیم بودن در این سعادت، متوقف بر حضور در گروه اهل حق است. طبق آیه های قرآن، مهدی (عج) مظهر پیروزی اهل ایمان است. [۵۲]. طبق روایت های اسلامی، گروهی زبده به محض ظهور امام، به آن حضرت ملحق می شوند. استاد مطهری (رحمه الله) درباره ی آنان می نویسد: «این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی شود،

معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها اهل حق و حقیقت به صفر نرسیده، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند از نظر کیفیت از زبده‌ترین اهل ایمانند». [۵۳] از نظر روایت‌های اسلامی، در مقدمه‌ی قیام امام، سلسله‌قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد، مانند قیام یمانی قبل از ظهور. ایشان می‌افزاید: «از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است». [۵۴]. شکل دیگری از انتظار نیز وجود دارد که به تعبیر استاد، نوعی اباحه‌گری و ویران‌گری است. استاد می‌فرماید: «طبق این تعبیر از انتظار، ماهیت قیام حضرت مهدی (علیه السلام) صرفاً ماهیت انفجاری است. فقط و فقط از گسترش و رواج اختلاف‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود. هر اصلاحی مذموم است و از باب اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند بهترین کمک به ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است». [۵۵]. از نظر استاد «این نوع تفکر، دیالکتیکی است. این نوع انتظار فرج منجر به نوعی تعطیل حدود و مقررات اسلامی می‌شود و نوعی اباحه‌گری باید شمرده شود که به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی‌یابد». [۵۶]. بعضی افراد با تکیه به همین نوع تفکر، با هر اصلاحی مخالفند و می‌گویند: دنیا باید از ظلم و جور پر شود تا یک دفعه انقلاب گردد و پر از عدل و داد شود و اگر ما کاری کنیم که مردم به سوی دین بیایند به معنای آن است که به ظهور حضرت حجت‌خیانت کرده و ظهور ایشان را تأخیر انداخته‌ایم! استاد مطهری پاسخ به این شبهه را چنین می‌دهد: «بعضی از حوادث جنبه انفجاری دارند مثل دمل که هر چیزی که جلوی دمل را بگیرد بد است. لکن دیدگاه ما نسبت به قیام و انقلاب حضرت این نیست. بلکه صحبت «رسیده شدن» است نه صحبت انفجار. مسأله ظهور حضرت حجت بیش از آنچه شباهت داشته باشد به انفجار یک دمل، شباهت دارد به رسیدن یک میوه. یعنی اگر ایشان تا کنون ظهور نکرده‌اند نه فقط به خاطر این است که گناه کم شده بلکه چون هنوز دنیا به آن مرحله از قابلیت نرسیده است». [۵۷]. انتظار ظهور، هیچ تکلیفی را از دوش ما بر نمی‌دارد، ما هم چنان به وظایف فردی و اجتماعی خود مکلفیم. و درست در همین دوره است که می‌بایست یاران آن حضرت تربیت و آماده شوند.

ویژگی‌های انتظار بزرگ

استاد شهید مطهری در بخشی از تألیفات گران‌مایه‌ی خویش، ویژگی‌های انتظار بزرگ را به صورت مبسوط مطرح کرده است: [۵۸]. ۱- خوش بینی به آینده‌ی بشر: درباره‌ی آینده‌ی بشر دیدگاه‌ها مختلف است. بعضی معتقدند که شر و فساد و بدبختی لازمه‌ی لاینفک حیات بشری است. بنابراین، زندگی بی‌ارزش است و عاقلانه‌ترین کار خاتمه دادن به حیات و زندگی است. بعضی دیگر حیات بشر را ابرتر می‌دانند و معتقدند که بشر در اثر پیشرفت حیرت‌آور تکنیک و ذخیره کردن وحشت‌ناک وسایل کشتار جمعی، به مرحله‌ای رسیده که به اصطلاح با گوری که با دست خود کنده یک گام بیشتر فاصله ندارد. طبق این دیدگاه، بشر در نیمه‌ی راه عمر خود، بلکه در آغاز رسیدن به بلوغ فرهنگی، به احتمال زیاد نابود خواهد شد. اگر به قراین و شواهد ظاهری بسنده کنیم، این احتمال را نمی‌توان نفی کرد. استاد مطهری (رحمه‌الله) در مقابل این دو نظر، نظریه‌ی سوم را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «ریشه فسادها و تباهی‌ها، نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی خود را طی می‌کند و خشم و شهوت بر عقل او حاکم است. انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود. نه شر و فساد، لازمه لاینفک طبیعت بشر است و نه جبر تمدن فاجعه خودکشی دسته‌جمعی را پیش خواهد آورد. آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد... این نظریه، الهامی است که دین می‌کند و نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در زمینه این الهام است». [۵۹]. این بابویه به چند واسطه از امام موسی کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه‌ی وَاسْتَبَخَّ عَلَیْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً [۶۰] و فراوان کرد بر شما نعمت‌های خود را آشکارا و نهان، آورده است: «نعمت ظاهر،

امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غایب. از دیدگاه مردم، شخص او غایب می شود ولی از دل های مؤمنین یاد او غایب نیست و... خدا هر دشواری را برای او آسان می نماید و هر سختی را برایش رام می سازد و گنج های زمین را برایش آشکار می گرداند. هر دوری را برای او نزدیک می نماید و هر سرکش ستیزه گر را نابود می کند و با دست های او هر شیطان طاغی را هلاک می کند...» [۶۱]. استاد مطهری (رحمه الله)، در بیان حتمی بودن قضای الهی مبنی بر ظهور حضرت، به این حدیث شریف از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، استناد می کند: «اگر از عمر دنیا، بیشتر از یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می کند تا مهدی از اولاد من ظهور کند». [۶۲]. ۲۰ - پیروزی نهایی حق بر باطل: بی شک، ظهور مهدی موعود، پیدایش گر وعده ای است که خدا از قدیم ترین زمان ها در کتاب های آسمانی به صالحان داده است که زمین از آن آنان است و پایان کار تنها به متقیان تعلق دارد. استاد مطهری (رحمه الله) در این باره به این دو آیه ی شریفه ی از قرآن کریم استناد فرموده است: وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. [۶۳] إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. [۶۴]. ۳ - تشکیل حکومت واحد جهانی: در هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) برای این که از نعمت وجود امام، بیشترین استفاده شود، زمینه ی لازم فراهم می شود و موانع ظهور و فعلیت یافتن شئون و ابعاد امامت که در عصر سایر امامان (علیهم السلام)، و عصر غیبت خود آن حضرت وجود داشته است برداشته می شود. اسمای حسنی الهی مثل «الولی»، «العاذل»، «الحاکم»، «السلطان»، «المنتقم»، «القاهر» و «الظاهر» به طور بی سابقه ای متجلی خواهد شد. به عبارت دیگر آن حضرت مظهر این اسما و کارگزار و عامل خدای متعال می باشد و مقام خلیفه اللهی او در این ابعاد، ظهور عملی و فعلی خواهد یافت. از جمله اموری که تجلی را در ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) روشن می سازد این است که هدف توحیدی اسلام مثل وحدت حکومت و نظام، وحدت قانون، وحدت دین و وحدت جامعه، به وسیله ی آن حضرت محقق می شود. همان گونه که در حدیث ها وارد شده است، خدا خاور و باختر جهان را به وسیله ی آن حضرت و به دست آن بزرگوار فتح می نماید. چنان که در روایت معروف جابر است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ذَلِكَ الَّذِي يُفْتَحُ عَلَي يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا» این است آن کسی که خدا به دست او، مشرق ها و مغرب های زمین را می گشاید». [۶۵]. آن استاد تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس توحید را، یکی از ویژگی های انتظار بزرگ برمی شمارد. [۶۶] روز فتح که از ایام الله بزرگ است و در قرآن مجید آمده است [۶۷] در برخی از تفسیرها، روز ظهور و فتح آن حضرت است. [۶۸] چنان که در حدیث ها است، قریه ای نمی ماند مگر آن که در آن، ندای «لا اله الا الله» بلند است و اسلام عالم گیر می شود و همه ی حکومت ها و حاکمیت ها که به اسم نژاد و وطن ساخته شده ملغی می گردد. مرزهایی که با آن، زورمندان، دنیا را تقسیم کرده و افراد بشر را از هم جدا و بیگانه ساخته اند از میان برداشته می شود. در آن عصر، برکات و آثار عقیده و ایمان به خدا آشکار می شود و بر حسب آیه ی وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، [۶۹] چنان چه مردم شهرها، همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما برکت های آسمان و زمین را برای آن ها می گشودیم، درهای برکات آسمان و زمین بر روی مردم و انسان های مؤمن گشوده می شود و به جای نظام های مشرکانه، جنگ، نزاع و کینه توزی، نظام الهی اسلام و دوستی، برادری، صفا و صلح واقعی و عمومی برقرار می شود. کتاب «المحجۀ فیما نزل فی القائم الحجۀ» از عیاشی به سند خود از ابن بکیر روایت کرده است که: از ابی الحسن (امام کاظم (علیه السلام)) سؤال کردم از این قول خدای تعالی: وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا. [۷۰] آن حضرت به این مضمون فرمود: «این آیه در شأن حضرت قائم (عج) نازل شده است که وقتی ظاهر شود، اسلام را بر طوایف کفر که در شرق و غرب عالم هستند عرضه نماید. هر کسی اسلام آورد، امر می کند او را به نماز و زکات و آن چه مسلمان به آن امر می شود و هر کس اسلام نیاورد گردن او را می زند تا باقی نماند. آن گاه در مشرق ها و مغرب ها کسی باقی نمی ماند مگر موحد...» [۷۱]. از جمله ی این روایت ها، روایتی است از رفاعه بن موسی که گفت: شنیدم امام صادق (علیه السلام) درباره ی آیه ی وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ... فرمود: «وقتی قائم ما - مهدی (عج) - قیام کند باقی

نمی ماند زمینی مگر آن که در آن، ندا می شود شهادت بر این که خدایی، نیست غیر از الله و این که محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خداست». [۷۲] هم چنین سید رضی (قدس سره) از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است که فرمود: «لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينَ عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ [۷۳] هر آینه داخل می شود این دین بر آن چه شب بر آن داخل شده باشد». این حدیث نیز عالم گیر شدن دین اسلام را مژده می دهد و ممکن است اشاره به این باشد که کفر و بی ایمانی و انحراف از خدا مانند شب تاریک و ظلمانی و اسلام مانند آفتاب است. استاد مطهری (رحمه الله) در جای دیگر، در جهت این ویژگی از ویژگی های انتظار بزرگ یعنی تشکیل حکومت توحیدی جهانی، به این قسمت از نهج البلاغه استناد می کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره ی ظهور آن حضرت فرمود: «حَتَّى يُؤَخِّدُوا اللَّهَ وَلَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً [۷۴] تا آن که تنها خدا را بپرستند و چیزی در پرستش او شریک نشود». ۴- بلوغ بشر به خردمندی و خردورزی کامل: در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) نعمت، بسیار فراوان و کیفیت نعمت در سطح بسیار مطلوبی است. از جمله نعمت ها، بلوغ بشر به خردمندی کامل است که استاد مطهری (رحمه الله) آن را نیز از ویژگی های انتظار بزرگ برمی شمارد. [۷۵]. عده ای خیال می کنند که ظهور حضرت حجت (علیه السلام) امری مساوی با انحطاط دنیا و بازگشت به گذشته است. استاد شهید به صراحت این اندیشه را رد می کند و می فرماید: «قضیه بر عکس است ارتقاء فکری و اخلاقی و علمی بشر است، به حکم همه ی شواهد و ادله ای که از دین به ما رسیده است همان دینی که موضوع ظهور حضرت حجت را و عدل کلی را برای ما ذکر کرده، این ها را هم ذکر کرده است. در حدیث اصول کافی است که وقتی آن حضرت ظهور می کند خدای متعال دست خود را بر سر افراد بشر می کشد و عقل افراد بشر افزون می شود و فکر و عملشان زیاد می شود». [۷۶]. عصر ظهور، دوره ی حکومت عقل است. دوره ای است که اولین ویژگی اش حکومت عقل است. دوره ای است که در آن، علم اسیر و برده نیست. استاد مطهری ضمن بیان این مطلب، به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره ی آن عصر اشاره دارد که: «وَيُعْبَقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ [۷۷] در آن عصر مردم صبح گاهان و شام گاهان جامی که می نوشند جام حکمت و معرفت است، جز جام حکمت و معرفت جام دیگری نمی نوشند». ۵- حداکثر بهره برداری از مواهب زمین: در عصر ظهور مهدی (عج) بر اثر تکامل انسانیت، ایمان به خدا و پیشرفت بشر در زمینه های تکامل خصوصاً مسایل روحی و معنوی، خدا برکاتش را از زمین بر بشر می فرستد و حداکثر بهره برداری از مواهب زمین صورت می گیرد. استاد مطهری (رحمه الله) فراهایی از نهج البلاغه را در همین مورد ذکر می کند: «وَتُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَتُلْقَى إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا [۷۸] زمین پاره های جگر خودش را بیرون می ریزد (زمین هر موهبت و استعدادی که دارد ارائه می کند) زمین می آید مثل یک غلام، در حالی که تسلیم است و کلیدهایش را در اختیار او قرار می دهد». [۷۸] یعنی دیگر سزی در طبیعت باقی نمی ماند مگر این که به دست او کشف می شود. ۶- برقراری مساوات در امر تقسیم ثروت: در دولت آن حضرت، وضع اقتصادی مردم سامان می یابد و نعمت ها فراوان، آب ها مهار و زمین ها آباد و حاصل خیز و معدن ها ظاهر می شود [تا جایی که فقیری که از بیت المال چیزی دریافت کند باقی نمی ماند و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه ی عمومی مراجعه نمی کند، و اگر اتفاقاً کسی مراجعه کرد به خود او می گویند هر اندازه نیاز دارد دریافت کند که او هم پس از دریافت وجه، پشیمان می شود و در مقام رد آن به خزانه برمی آید ولی از او قبول نمی شود. استاد مطهری، بیان نهج البلاغه را در این زمینه ارائه می کند: «يُقَسَّمُ وَالْمَالُ صَحاحاً». زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این جمله را فرمود، عده ای پرسیدند: یا رسول الله! صحاحاً یعنی چه؟ فرمود: عادلانه و بالسویّه تقسیم می کند! [۷۹]. ۷- منتفی شدن کامل مفاسد: روایت های زیادی مبنی بر رواج فساد و فحشا و گناهان مختلف قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) وجود دارد که با ظهور حضرت، این مفاسد، کاملاً برچیده می شود. از جمله ی مفاسد، بدعت هایی است که در دین مبین اسلام توسط شیادان و دشمنان ایجاد شده است. استاد مطهری (رحمه الله) در بحث مقتضیات زمان و مسأله ی خاتمیت بر این باور است که هر شریعتی، شریعت قبل را تکمیل می کند و یکی از کارهای انبیا، احیای اصل دین است و اصل دین، از آدم (علیه السلام) تا خاتم (صلی الله

علیه وآله) یکی است و هر پیغمبری که می آید یکی از کارهایش، پیرایش است. یعنی اضافه ها و تحریف های بشر را مشخص می کند و این تحریف دین، از ویژگی های بشر قبل خاتم انبیا نیست، بلکه انسان های دوره های بعد هم این طبیعت را دارند. یعنی در دین خودشان دخل و تصرف می کنند و خرافات را وارد می کنند. پس معلوم می شود که بدعت در دین خاتم هم امکان پذیر است. استاد مطهری (رحمه الله) بعد از این نتیجه گیری، می فرماید: «چنانکه ما شیعه هستیم و اعتقاد داریم به وجود مقدس حضرت حجه بن الحسن (علیه السلام) می گویم ایشان که می آیند یأتی بدین جدید، تفسیرش این است که آنقدر تغییرات و اضافات در اسلام پیدا شده است که وقتی او می آید و حقیقت دین جدش را می گوید به نظر مردم می رسد که این دین، غیر از دینی است که داشته اند و حال آن که اسلام حقیقی همان است که آن حضرت می آورد. در اخبار و روایات آمده است که وقتی ایشان می آید خانه ها و مساجدی را خراب می کند کارهایی می کند که مردم فکر می کنند دین جدیدی آورده است». [۸۰]. ۸- منتفی شدن جنگ و برقراری صلح: امنیت و صلح واقعی و برقراری آرامش، از ویژگی های دولت حضرت مهدی (عج) است. خوف ها زایل می شود و جان و مال و آبروی اشخاص در امان خواهد بود. در سراسر جهان امنیت عمومی حاکم می شود. اختناق، استبداد، استکبار و استضعاف که از آثار حکومت های غیر الهی است از جهان ریشه کن می گردد و حکومت های طواغیت به هر شکل و عنوان برچیده می شود. از روایت ها استفاده می شود که به سبب ظهور حضرت ولی عصر (عج) راه ها آن قدر امن می شود که حتی ضعیف ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می کند و از احدی به او اذیت و آزار نمی رسد. [۸۱]. استاد مطهری (رحمه الله)، ناامنی آن دوره را چنین توصیف می کند: «حضرت زمانی ظهور می کند که اختلاف میان بشر شدید و زلزله ها برقرار است (مقصود زلزله های ناشی از مواد زیر زمین نیست) زمین به دست بشر تکان می خورد و این خطر بشریت را تهدید می کند که زمین نیست و نابود شود. پیامبر فرمود: «المهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و الزلازل فیملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». [۸۲]. طبرانی در کتاب «الکبیر» و ابونعیم از هلال - یا هلالی - نقل کرده است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «سوگند به آن که مرا به حقیقت، مبعوث گردانید، مهدی این امت، از نسل این دو نفر است - اشاره به حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) - زمانی که دنیا آشفته گردد و فتنه ها ظاهر شوند و راه حل ها کوتاه گردند و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند. نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند و نه خردسالان به بزرگسالان احترام نهند. در آن زمان خدا از نسل این دو، کسی را می انگیزاند که حصارهای گمراهی را می گشاید و دل های غفلت زده را بیدار می کند و در آخر الزمان دین را به پا می دارد چنان که من در ابتدا آن را به پا داشتم و دنیا را از عدل پر می سازد چنان که از ستم پر شده باشد». استاد مطهری هم چنین وقایع عجیب آخر الزمان را از کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) چنین نقل می کند: «حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا حُلُوءًا رِضَاعُهَا عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا قُبُلٌ مِنْ ظَهْرٍ مِنْ ظَهْرٍ، أَشُوبٌ وَجَنَكٌ رُوي پای خودش می ایستد و دندان هایش را نشان می دهد، شیر، پستان خودش را نشان می دهد که دوشیدنش خیلی شیرین است اما عاقبتش فوق العاده تلخ، یعنی جنگ ها رخ می دهد و ستیزه جویان، نگاه می کنند و می بینند جنگ خوب شیر می دهد، یعنی به نفعشان کار می کند، اما نمی دانند که عاقبت این جنگ، به ضرر خودشان است». [۸۳]. با قیام آن حضرت، این ناآرامی ها بر طرف می شود و رضایت ساکنین زمین و آسمان حاصل می شود. [۸۴] پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ [۸۵] آن چنان امنیت حاصل می شود که حتی زنان ضعیف هم به تنهایی و در کمال امنیت می توانند سفر کنند». استاد مطهری (رحمه الله) به نقل از نهج البلاغه می فرماید: «وَأَمِنَتْ بِه السُّبُلُ وَ تَخْرُجُ الْعَجُوزَةُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يُؤْذِيهَا أَحَدٌ [۸۶] راه ها امن می شود و پیره زنی ناتوان، از مشرق تا مغرب دنیا را مسافرت می کند بدون دیدن کوچک ترین آزار و اذیتی». همه ی راه ها (زمینی، دریایی، هوایی) امن می شود چون منشأ این ناراحتی ها، بی عدالتی هاست. وقتی که عدالت برقرار شد دیگر ناامنی وجود ندارد.

انقلاب‌ها، هر چه با عظمت تر باشند، دوستان و دشمنان بیشتری دارند. نهضت‌های توحیدی، شکوهمندترین حرکت تاریخ بوده و جریان‌های موافق و مخالف نیرومندی داشته‌اند. بازتاب نهضت امام مهدی (علیه السلام) بیش از نهضت‌های رهایی بخش پیشین خواهد بود. آرمان‌های بلند، مشرک ستیزی و عدالت گسترده بی مرز و جهان شمول آن، هم شور در دل مردمان محروم خواهد آفرید و هم دشمنان توحید و عدل را برخورد آشفته. باید دید همراهان آن حضرت کیانند؟ شناخت معیارها و موازین یاران، ما را کمک خواهد کرد تا راه را بهتر شناخته و در صف منتظران با بصیرت قرار بگیریم. شهید مطهری (رحمه الله) درباره‌ی ویژگی یاران حضرت حجت (عج) می‌فرماید: «در اوصاف اصحاب حضرت حجت (عج) تعبیری است که من نه فقط در یک حدیث بلکه در احادیث متعدد، آن را دیده‌ام «رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ» راهبان شب‌اند، شب که سراغ آن‌ها می‌روی گویی سراغ یک عده راهب رفته‌ای ولی روز که سراغشان می‌روی [گویی] سراغ یک عده شیر رفته‌ای». [۸۷]. یاران امام، سنگ‌های زیرین انقلاب جهانی‌اند. منابع دینی ما، بر جایگاه والای آن جوان مردان اشاره دارد. [۸۸]. دو ویژگی که استاد مطهری (رحمه الله) در کلام خویش برای یاران امام بر شمرده است، عبادت شبانه و تلاش روزانه‌ی آن‌هاست. به گفته‌ی فضیل بن یسار: «رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهْمَ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ يَبْتَغُونَ قِيَامًا عَلَى اطْرَافِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ [۸۹]، مردانی که سبک خوابند و در نماز بسان زنبور عسل، زمزمه‌کنان». امام در سفر و حضر، جنگ و صلح یاران را به تعبیر و تضرع سفارش می‌کند تا مقصد فراموش نگردد و پیروزی‌های پیاپی، آنان را به غفلت و غرور دچار نسازد. همواره پیروزی را از جانب خدا ببینند و مناجات و نماز را کلید نصرت او. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «حَتَّى إِذَا صَعِدَ النَّجْفَ قَالَ لِاصْحَابِهِ، تَعْبَدُوا لَيْلَكُمْ فَيَتَوَنَّنُونَ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ ۗ» [۹۰] چون برفراز نجف برآید، به یاران خطاب کند: امشب را به عبادت به روز آورید. آنان برخی در رکوع و برخی در سجده شب را به سحر می‌رسانند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند. نیز امام محمدباقر (علیه السلام) می‌فرماید: «گویا، قائم و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم، و توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است. شیران روزند و راهبان شب». [۹۱]. یاران مهدی (عج) مردان عبادتند و نیایش، شیران روز و نیایش گران شب. آن‌ها نه عبادتی عادت‌گونه و یا چون پرستش‌مزدوران و تاجران، بلکه نیایش‌عارفانه و پاکبازانه. روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته است. همواره خود را در محضر خدا می‌بینند و از یاد او لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزند. از ترس خدا، نیمه شب چونان مادران فرزندان مرده می‌گریند و شب‌زنده‌داران و روزه‌دارانند. ویژگی دیگری که استاد برای اصحاب حضرت حجت (عج) می‌شمرد این است که «آنان هم چون شیرند». [۹۲]. یاران امام مهدی (عج)، دلیر مرد و جنگاوران میدان نبرد هستند. دل‌هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن، هراسی به دل راه نمی‌دهند. ایمان به هدف، همه‌ی وجودشان را تسخیر کرده و عشق به خاندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، به بازوانشان قوت بخشیده است. شجاعت بی‌ماندشان، ترسی را بر دل‌های مستکبران چیره ساخته که پیشاپیش، راه‌گریز پیش می‌گیرند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «گویا آنان را می‌نگرم، سیصد و اندی مرد، بر بلندای نجف ایستاده‌اند، دل‌هایی چون پولاد دارند. در هر سو، تا مسافت یک ماه راه، ترس بر دل‌های دشمنان سایه می‌افکند». [۹۳].

پاورقی

[۱] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۹۸.

[۲] الانبیاء: ۲۱ / ۱۰۵.

[۳] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۹۸.

[۴] مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۳.

- [۵] حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ۶۹.
- [۶] همان، ص ۵۶.
- [۷] هود: ۱۱/۸۰.
- [۸] الانبیاء: ۲۱ / ۱۰۵.
- [۹] ر. ک: التوبة: ۹ / ۳۳، الصف: ۶۱ / ۹، الانبیاء: ۲۱ / ۱۰۵، القصص: ۲۸ / ۵ و ۶، الاعراف: ۷ / ۱۲۸.]
- [۱۰] مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ص ۱۳ و ۱۴.
- [۱۱] انصاری، عبد الرحمن، در انتظار خورشید ولایت، ص ص ۵۰-۵۳.
- [۱۲] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۹۱.
- [۱۳] العمیدی، سید ثامر، دفاع عن الکافی، ص ۳۴۵.
- [۱۴] المتقی الهندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، باب ۱۳، ص ۱۷۷.
- [۱۵] ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، بیروت، لبنان، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۱۱.
- [۱۶] الزبیدی، تاج العروس، ماده ی هدی.
- [۱۷] منصور علی، غایة المأمول، ج ۵، باب ۷، ص ۳۱۲.
- [۱۸] لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، ص ۳.
- [۱۹] قزوینی، محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۷.
- [۲۰] حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، ص ص ۶۶ و ۶۷.
- [۲۱] الهیثمی الشافعی، ابن حجر، المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۰۰.
- [۲۲] همان، ج ۲، ص ۷۲.
- [۲۳] ابن ابی الحدید المعتزلی، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۵۳۵.
- [۲۴] عبده، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۵۷.
- [۲۵] المغنیة، محمد جواد، المهدی المنتظر و العقل، ص ۵۹.
- [۲۶] مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ص ۱۳ و ۱۴.
- [۲۷] لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، ص ۵.
- [۲۸] همان.
- [۲۹] پیشین.
- [۳۰] جمال الدین ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۷۸۷.
- [۳۱] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۸۲.
- [۳۲] همان، ص ۲۹۱.
- [۳۳] پیشین، ص ص ۲۸۲-۲۹۴.
- [۳۴] مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۳.
- [۳۵] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۹۷.
- [۳۶] مینوی، مجتبی، پانزده گفتار، ص ۵۸.
- [۳۷] الانبیاء: ۲۱ / ۱۰۵.

- [۳۸] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۸۰.
- [۳۹] الفتح: ۴۸ / ۲۸.
- [۴۰] الانبیاء: ۲۱ / ۱۰۵.
- [۴۱] الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۶.
- [۴۲] هود: ۱۱ / ۸۶.
- [۴۳] العروسی الحویزی، ابن جمعه، نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۹۰.
- [۴۴] البینه: ۵ / ۹۸.
- [۴۵] حسینی بحرانی، سیدهاشم، سیمای حضرت مهدی در قرآن.
- [۴۶] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۸۰.
- [۴۷] مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۴.
- [۴۸] همان.
- [۴۹] پیشین، ص ۱۵.
- [۵۰] پیشین، ص ۴۸.
- [۵۱] پیشین.
- [۵۲] ر. ک: النور: ۲۴/۵۵، القصص: ۲۸/۵، الانبیاء: ۲۱/۱۰، الاعراف: ۷/۱۲۸.
- [۵۳] پیشین، ص ۵۹.
- [۵۴] پیشین.
- [۵۵] پیشین، ص ۴۸.
- [۵۶] پیشین، ص ۴۹.
- [۵۷] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۹۵.
- [۵۸] مرتضی، قیام و انقلاب حضرت مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۱.
- [۵۹] همان.
- [۶۰] لقمان: ۳۱/۲۰.
- [۶۱] الخراز القمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۳۲۳.
- [۶۲] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۶۹.
- [۶۳] الانبیاء: ۲۱ / ۱۰۵.
- [۶۴] الاعراف: ۷ / ۱۲۸.
- [۶۵] لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۱۰۱.
- [۶۶] مرتضی، قیام و انقلاب حضرت مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۱.
- [۶۷] النصر: ۱ / ۱۱.
- [۶۸] العروسی الحویزی، علی بن جمعه، نورالثقلین.
- [۶۹] الاعراف: ۷ / ۹۶.
- [۷۰] آل عمران: ۳ / ۸۳، یعنی: و برای او تسلیم است هر چه در آسمان ها و زمین است، خواه و ناخواه.

- [۷۱] لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۴۷۱.
- [۷۲] القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، ص ۴۲۱.
- [۷۳] العجازات النبویه، ص ۴۱۹، ح ۳۳۷.
- [۷۴] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۷۱ (نقل از: نهج البلاغه، خ ۱۳۸).
- [۷۵] قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۱.
- [۷۶] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۶۶.
- [۷۷] مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۵، (نقل از: نهج البلاغه، خ ۱۴۸).
- [۷۸] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۷۱، (نقل از: نهج البلاغه، خ ۱۳۸).
- [۷۹] همان.
- [۸۰] مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.
- [۸۱] لطف الله، منتخب الاثر فی الام الثانی عشر، ص ۳۰۸، فصل ۲، باب ۴۳، ح ۲.
- [۸۲] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۷۰.
- [۸۳] همان، ص ۲۷۱.
- [۸۴] پیشین، ص ۲۷۰.
- [۸۵] الطبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۰۱.
- [۸۶] مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۷۱، (نقل از: نهج البلاغه، خ ۱۳۸).
- [۸۷] مرتضی، انسان کامل، ص ۱۰۱.
- [۸۸] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.
- [۸۹] همان، ص ۳۰۸.
- [۹۰] پیشین، ج ۵۱، ص ۳۴۴.
- [۹۱] پیشین، ج ۵۳، ص ۷.
- [۹۲] مرتضی، انسان کامل، ص ۱۰۱.
- [۹۳] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: ۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR شماره ۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرت! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

